



the importance of Democratic Governance in the second step of Islamic revolution

MortezaNiya, Hamid¹, ghoroghchian, sadiq²

¹ assistant professor at the Department of Islamic financial Management, Imam Hussain University. Tehran, Iran

² Master student of Financial Management, Faculty of Management, Imam Hossein University, Tehran, Iran

. Today, the economic governance of the Islamic Republic of Iran is such that it has led to the failure to achieve the goals of the transcendent governance system, and according to these results, a change in the economic governance system seems inevitable. Today, Iran's economy faces many internal and external challenges, the most important and fundamental structural challenges being government ownership of the economy, underutilization of various domestic capacities, and improper privatization. The general policies of the resistance economy, the general policies of Article 44, as well as the explicit emphasis on popularizing the economy in the declaration of the second step of the Islamic Revolution, show the high importance of the real presence and the need for the people to play a major role in the economy. An important thing that has not been achieved in the field of action so far, and it will require a fundamental change in the existing system of economic governance and the realization of economic governance of the basic people.

Keywords: Economic governance, Basic people's economy, transcendental governance, People, second step of Islamic revolution

اهمیت تحقق حکمرانی اقتصادی مردم پایه در گام دوم انقلاب اسلامی

دکتر حمید مرتضی نیا^۱، صادق قرقچیان^{۲*}

1 - استادیار گروه مدیریت مالی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

2- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

چکیده. حکمرانی اقتصادی امروز جمهوری اسلامی ایران به گونه ای است که منجر به عدم تحقق اهداف نظام حکمرانی متعالی شده است و با توجه به این نتایج، تحول در نظام حکمرانی اقتصادی، امری اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. امروزه اقتصاد ایران با چالش های متعدد داخلی و خارجی مواجه است که از مهم ترین و ریشه ای ترین چالش های ساختاری، تصدی گری دولت در اقتصاد، استفاده اندک از ظرفیت های متنوع داخلی و خصوصی سازی نادرست می باشد. سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست های کلی اصل ۴۴ و هم چنین تاکید صریح بر مردمی کردن اقتصاد در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی اهمیت بالایی حضور حقیقی و لزوم نقش آفرینی گسترده مردم را در اقتصاد در اسناد بالادستی نشان می دهد. مهمی که تاکنون در میدان عمل محقق نشده است و لازمه آن تحول اساسی در نظام حکمرانی اقتصادی موجود و تحقق حکمرانی اقتصادی مردم پایه خواهد بود.

کلیدواژگان: حکمرانی اقتصادی، اقتصاد مردم پایه، حکمرانی متعالی، مردم، گام دوم انقلاب

حکمرانی به عنوان یک مقوله، ایده یا واقعیت، که چهار حوزه فلسفه حکمرانی، فقه حکمرانی، اخلاق حکمرانی و علم حکمرانی را در بر می گیرد دیدگاه های مختلفی وجود دارد. (خسروپناه ۱۴۰۰)

حکمرانی در عرصه های مختلفی قابل بررسی و طرح است در عین حال یکی از مهم ترین عرصه های حکمرانی، حکمرانی اقتصادی است (رعایایی، داوود آبادی فراهانی، ۱۴۰۰)

اصطلاح حکمرانی اقتصادی به نظام ها، نهادها و رویه های ایجاد شده برای دستیابی به اهداف اقتصادی (شامل پیشرفت و رفاه عمومی)، از طریق اجرا و هماهنگ سازی سیاست های اقتصادی اشاره دارد. (سیف، ۱۳۹۷)

در تعریف دیگر حکمرانی اقتصادی عبارت است از سیستمی از نهادها، فرآیندها و رویه هایی که برای تحقق اهداف اقتصادی یک جامعه استقرار می یابد. (روشن، ۱۴۰۰)

امروز اقتصاد یک نقطه ی کلیدی تعیین کننده در حکمرانی است و اقتصاد قوی، نقطه ی قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است.

با این حال در نظام مردم سالاری دینی، اقتصاد، صرفاً وسیله است و نه هدف و اصولاً در دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام مردم سالاری دینی، برنامه اقتصاد اسلامی، فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت های متفاوت انسانی است و بدین جهت، تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او، بر عهده حکومت اسلامی است (کراری و دیگران، ۱۳۹۸)

در حال حاضر شکاف موجود میان منابع و پتانسیل های اقتصادی کشور با عملکرد و دستاورد های اقتصاد ملی و نیز وجود مسایل ساختاری درمان نشده در اقتصاد ملی، حاکی از آن است که کشور ما نیازمند الگویی اثر بخش تر از حکمرانی اقتصادی نسبت به چهل سال گذشته می باشد. (سیف، ۱۳۹۷)

تجربه تاریخی هر دو نظام های اقتصاد آزاد یا دولتی امروزه وجود دارد و در ادبیات اقتصادی نیز زمینه های شکست بازار و شکست دولت به تفصیل بحث شده است. اقتصاد آزاد اگرچه از کارایی بازارهای آزاد رقابتی بهره می گیرد و هزینه های نظارت را صرفه جویی می کند ولی از آنجا که نظام های آزاد با حاکمیت سرمایه و اصطلاحاً سرمایه داری عجین می باشد نتیجه نهایی خوشایند نبوده و مساله مهم در عدم پذیرش نظام اقتصاد آزاد، عدالت است. درمقابل، در اقتصاد دولتی نیز سرنوشت تخصیص منابع کمیاب را به تصمیم گیری متمرکز دولتی ها سپرده می شود و فهرست بلندی از ناکارآمدی ها را در تجربه تاریخی خود دارد و امروزه کمتر اقتصاددانی را می توان یافت که مدافع بی چون و چرای اقتصاد دولتی باشد. ایرادهای اساسی که برای اقتصاد دولتی ذکر می کنند شامل اقتدارگرایی و عدم پاسخگویی، نبود انگیزه و کارایی پایین تر و ضعف در تخصیص منابع در نبود بازارهای رقابتی و مکانیزم قیمت ها می باشد (سیف، ۱۳۹۸)

امروزه در جمهوری اسلامی ایران روش خاصی برای شکل گیری نظام اقتصادی وجود دارد که نتیجه آن تحقق نوعی اقتصاد است که تمایز زیادی با نظام اقتصادی سرمایه داری ندارد؛ در حالی که مبانی نظام اقتصادی اسلام و اهداف مترتب بر آن با نظام اقتصادی سرمایه داری تفاوت های اساسی دارد. به دنبال حاکمیت چنین نظام اقتصادی، عرصه اقتصادی ایران توفیق چندانی در ریشه کنی فقر و تحقق عدالت اقتصادی ندارد و فساد اقتصادی رشد می یابد. (یوسفی، ۱۳۹۵)

یکی از مشکلات فعلی اقتصاد ایران دولتی بودن اقتصاد و عدم حضور مردم در متن میدان اقتصادی است. سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز در همین راستا ابلاغ شده است که متأسفانه در میدان عمل به خوبی پیاده سازی نشده است و آن چه که اجرا شده در برخی از موارد دارای انحراف بوده است.

نظام حکمرانی اقتصادی در جهت افزایش کارایی خود لازم است توجه ویژه ای به نقش آفرینی حقیقی مردم در سطوح مختلف داشته باشد، این پژوهش در صدد است تا بخشی از الزامات تحقق حکمرانی اقتصادی مردم پایه را تبیین کند.

مبانی نظری

حکمرانی

حکمرانی از پیچیده ترین و مبهم ترین مفاهیم به کار رفته در غرب است که مانند دیگر مفاهیم مربوط به علوم انسانی تعاریف متعدد و متنوعی از آن وجود دارد. برخی حکمرانی را به معنای عام، هدایت، راهنمایی و راهبری کردن تعریف کرده اند که شامل خط مشی و سیاست گذاری، حکم کردن و تدوین و تقنین قوانین و ساختار سازی و نهاد سازی می شود و این که نقش بخش های مختلف حکومت و جامعه مدنی در این فرایند به چه شکل باشد باعث می شود تلقی های مختلف از حکمرانی مطرح شود. (خسروپناه، ۱۴۰۰)

مفهوم حکمرانی وسیع تر از حکومت است، حکومت به طور مشخص با نقش مقامات سیاسی در حفظ نظم اجتماعی در سرزمین معین و اعمال قدرت اجرایی در محدوده آن سروکار دارد اما در تعریف حکمرانی سه اصطلاح پاسخگویی و حساب پس دهی، مشروعیت و شفافیت مورد توجه قرار می گیرد. در واقع موضوع اساسی در حکمرانی، تصمیم گیری در این باره است که چه کسی، چه چیزی، چگونه، کجا و به چه هنگام بدست آورد. (امام جمعه زاده، ۱۳۹۵)

در یک تعریف دیگری این گونه بیان شده است که حکمرانی شامل تمامی فرایندهای حکومت کردن است، اعم از این که متولی آن دولت، بازار یا شبکه باشد و حیطه آن شامل یک خانواده، قوم، سازمان رسمی یا غیر رسمی یا سرزمین شود و یا اینکه به وسیله قانون، هنجار، قدرت یا زبان انجام پذیرد. (مارک بیور، ۱۳۹۸)

بانک جهانی حکمرانی را به عنوان روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال میشود تعریف می کند. حکمرانی در لغت به معنای اعمال قدرت، نظام حکومتی، روش تنظیم قوانین و مقررات و برقراری نظم در جامعه است و عموماً نظارت ترتیبات اداری لازم جهت ارتباط با شهروندان، بر فعالیت های آنان و چگونگی تنظیم امور اجتماع را شامل می شود. از این رو علاوه بر ساختارهای فیزیکی، چارچوب های نهادی ناظر بر عملکرد حکومت و شهروندان را در بر می گیرد. (جوادی ارجمند و همکاران، ۱۳۹۸) (به نقل از دقتی اصلی و همکاران، ۱۳۹۲)

حکمرانی در دنیای امروز به ویژه در کشورهای توسعه نیافته از مباحث بسیار مهم در برنامه های کاهش فقر به شمار میرود. حکمرانی خوب موجب بهبود توزیع درآمد و برابری فرصت ها می شود (ابراهیم پور و الیک، ۱۳۹۵)

پیشینه و تعریف نظریه حکمرانی مطلوب (با تاکید بر بخش اقتصاد)

واژه حکمرانی خوب ابتدا در بعد اقتصادی در دستور کار مجامع بین المللی قرار گرفت و به عنوان پیش شرط کمک های توسعه از جانب مؤسسات بین المللی به کشورهای در حال توسعه و فقیر مطرح و بعدها بعد سیاسی نیز به آن افزوده شد (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۶)

از زمان پیدایش علم اقتصاد توسعه، سیاست گذاری در کشور های در حال توسعه در سه دوره قابل تفکیک است:

دوره دولت بزرگ؛ دوره دولت حداقل؛ دوره دولت یا حکمرانی مطلوب

دوره نخست از پایان جنگ جهانی دوم آغاز شده و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه می یابد. این دوره مقارن با بازسازی ویرانی های جنگ در اروپا و طرح مارشال است. تجربه دوران رکود بزرگ ۱۹۲۹ اندیشه های جان مینارد کینز را بر اقتصاددانان و محافل سیاستگذاری حاکم ساخته بود.

کینز درمان بیکاری و رکود را مداخله دولت در اقتصاد می دانست و نتیجه بلافصل آرای او در کشور های در حال توسعه، دادن نقش محوری و گسترده به دولت بود.

در این راستا صاحب نظران بسیاری در این موضوع اظهار نظر می کردند که با وجود همه اختلاف ها یک نقطه مشترک میان آن ها وجود داشت و آن مداخله گسترده دولت برای نیل به توسعه بود. آن ها معتقد بودند که دولت به لحاظ نظری مجاز است در تمام بازار ها، از بازار کالا گرفته تا بازار ارز و سرمایه و کار، مداخله کند. تا اواسط دهه ۱۹۷۰ داستان سیاست گذاری توسعه به همین منوال ادامه داشت.

در پایان دهه ۱۹۷۰ ایده دولت حداقل غالب شد؛ در این الگو راهکار توسعه، مداخله حداقلی دولت در اقتصاد و واگذاری امور به ساز و کار قیمت ها و بازار جست و جو شد. محافل بن المللی اقتصادی همچون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نیز همزمان با این سیاست ها شعار پایان دوره دولت گرایی و آغاز دوران بازارگرایی را سر دادند. با فرو پاشی بلوک شرق مجریان این الگو به یکباره افزایش پیدا کردند.

در این دوره سنت فکری نئوکلاسیک، مکتب اتریشی و مانتریسیت ها و مکتب انتخاب عمومی همگی به نوعی مشکل دخالت دولت در اقتصاد را تئوریزه و استدلال های مختلفی را به طرفداری از نظام بازار ارائه می کردند.

فون هایک مداخله دولت را دشمن دموکراسی می دانست، جیمز بوکانان نیز فرض دولت خیرخواه را که مداخلاتش رکود یا توسعه نیافتگی را جبران می کند زیر سوال برد و پیروان مکتب انتخاب عمومی نشان دادند که دولت ها، حتی در دموکراتیک ترین کشور های دنیا، اسیر گروه های فشار و ذی نفوذند. میلتون فریدمن نیز تورم و رکود تورمی دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را محصول مداخله دولت معرفی کرد. این سه اقتصاد دان مبانی نظری دولت حداقل را بنا کردند و بسیاری از اقتصاد دانان به بسط آرای آنان پرداختند. با این حال از اواسط دهه ۱۹۹۰ نارضایتی از رویکرد دولت حداقل شکل گرفت و از پایان آن دهه رویکرد حکمرانی مطلوب مورد استقبال گسترده قرار گرفت و همان محافل بین المللی مروج دولت حداقل به تدوین و ترویج نظریه حکمرانی مطلوب پرداختند.

(Vries, 2013: 6-10, به نقل از درخشه و شجاعی، ۱۳۹۴)

حکمرانی خوب

حکمرانی خوب، نظریه جدیدی است که به دنبال پدید ساختن نهادهایی است که به دولت در انجام وظیفه های خود مبنی بر فراهم ساختن وضعیت بهتر و رفاه بیشتر برای مردم کمک کند (یوسفی شیخ رباط و بابایی، ۱۳۹۴)

در حکمرانی خوب بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی ارتباط نزدیکی وجود دارد، شراکت موجود سبب می شود که از امور عمومی به شکل صحیح تر و بهینه تری بهره برداری شود. وجود ارتباط صحیح بین سه رکن یاد شده زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف میسر می سازد. در حکمرانی خوب این سه رکن به عنوان عناصر اصلی محسوب می شود (رزمی و همکاران، ۱۳۹۴)

از نظر بانک جهانی، حکمرانی خوب شامل مدیریت دولتی کارا (شامل بودجه بندی، حسابرسی، ارائه گزارش و رفع نارسایی ها)، پاسخگویی، چارچوب قانونی برای توسعه، اطلاعات و شفافیت (اطلاعات در مورد اثربخشی فعالیت ها و شفافیت جهت جلوگیری از فساد می باشد).

هم چنین در سال ۲۰۰۶ بانک جهانی، حکمرانی را جامعیتی و پاسخگویی تحقق یافته در سه بخش مهم: انتخابات، پاسخگویی و تعویض حاکمان (اظهار نظر و پاسخگویی، پایداری و فقدان خشونت)، کارآمدی نهادها، مقررات، مدیریت منابع (چارچوب نظم دهنده: کارآمدی حکومت)، احترام به نهادها، قوانین و تعاملات میان کنشگران در جوامع مدنی، تجارت و سیاست (کنترل فساد، برابری حقوقی تعریف کرده است).

کافمن در تعریف دیگری حکمرانی خوب را با شش جنبه سنجیده است ۱. اظهار نظر و پاسخگویی، ۲. ثبات سیاسی و فقدان خشونت، ۳. جرم و آدمکشی، ۴. کارآمدی حکومت، ۵. فقدان تحمیل های قانونی، ۶. برابری حقوقی و کنترل فساد (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۵)

حکمرانی متعالی

حکمرانی متعالی عبارت است از فرایند تصمیم گیری توسط خداوند یا انبیاء اولیاء و نایبان بر حق آنان و اجرای آن به منظور نیل افراد و جامعه به رفاه، آسایش و تکامل دنیوی و سعادت اخروی.

حکمرانی متعالی از بعد هستی شناسی، هستی حقیقی را از آن خداوند دانسته، سایر موجودات را تجلیات او و نشأت گرفته از او می داند و به همان اندازه که برای بعد مادی اهمیت قائل است برای بعد معنوی نیز اهمیت قائل می شود. از بعد روشی، روش را منحصر به تجربه نمی داند، بلکه روش وحیانی را مهم تلقی میکند. در حکمرانی متعالی هر چند دنیا و زندگی در آن اهمیت بسیاری دارد، اما زندگی در آن هدف نیست و زندگی را بستری می داند که انسان با استفاده از آن می تواند به سعادت اخروی دست یابد. بنابراین حکمرانی متعالی مبتنی بر جهان بینی الهی است؛ (رحمتی، ۱۳۹۸)

پیشینه تحقیق

جوادی ارجمند، مکرمی پور و نقدی نژاد (۱۳۹۸) در مقاله خود به نام « حکمرانی و توسعه اقتصادی در ایران » که بر اساس نظریه دولت توسعه گرا انجام شده است رابطه بهبود شاخص های حکمرانی بر ارتقا شاخص های توسعه را بررسی کرده اند. نتایج پژوهش نشان می دهد که بهبود شاخص های حکمرانی مستقل از موقعیت جغرافیایی می تواند اثرات معناداری بر ارتقاء شاخص های توسعه و در نتیجه افزای رفاه اجتماعی داشته باشد. اما با بررسی مطالعات انجام گرفته می توان گفت که با توجه به نوع حکمرانی حاکم بر ایران، فرایند توسعه اقتصادی ایران در دوره های مختلف بعد از انقلاب، شرایط متفاوتی را سپری نموده و در هر دوره ای شاخص های حکمرانی وضعیت متفاوتی را داشته اند.

نجفی، فتح الهی و محمدی پور (۱۳۹۸) در مقاله ای به نام « نقش حکمرانی خوب در تحقق اقتصاد دانش بنیان در ایران (در قالب مدل ماریچ چهارگانه) » به روش توصیفی - تحلیلی به تبیین نقش حکمرانی خوب در تحقق اقتصاد دانش بنیان پرداخته اند. یافته های پژوهش حاکی از این است که حکمرانی خوب از کانال های مختلف بر تحقق اقتصاد دانش بنیان و نوآوری تاثیر می گذارد.

عرب یار محمدی، اشرفی و مسگری (۱۳۹۸) در مقاله « بهبود حکمرانی در ایران با تاکید بر اقتصاد هوشمند در دوران تحریم » به بررسی همزمان نماگر های اقتصادی کشور و شاخص های حکمرانی در ایران بعد از تشدید تحریم های اخیر علیه ایران پرداخته اند. نتایج نشان دهنده نامناسب بودن نماگر های اقتصادی و هم چنین نامناسب بودن شاخص های حکمرانی د مقایسه با جهان و منطقه است و این بی ثباتی را نشانه ای برای ضرورت اتخاذ استراتژی بلند مدت برای ترویج شیوه های ملی و جهانی حکمرانی خوب در جهت کاهش اثر شوک های برونزا است که در این مسیر ترویج اقتصاد هوشمند به عنوان راه میانبر توصیه شده است.

حسین بهرامی (۱۳۹۸) در مقاله خود به نام «تحقق گام دوم انقلاب اسلامی از منظر حکمرانی اقتصادی» که به صورت کتابخانه ای و با روش اندیشه ورزی انتقادی، تبیینی و تحلیلی و استنتاجی انجام شده است، ابتدا مولفه های حکمرانی خوب را مورد بررسی و نقد قرار داده و سپس به تشریح مولفه های اقتصادی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر رهبر انقلاب پرداخته است.

مبارک و آذریبوند (۱۳۸۸) در مقاله ای به نام « نگاهی به شاخص های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی » نشان می دهند که میزان اثرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی برای کشور های ایران، مصر و ترکیه و اندونزی نسبت به دیگر کشورها اثرگذاری کمتری دارد.

رعایایی و داوود آبادی فراهانی (۱۴۰۰) در مقاله « بررسی اصل عدالت در حکمرانی اقتصادی مبتنی بر نظریه شهید صدر » شناسایی مولفه های برقراری عدالت (توزیعی) در حکمرانی اقتصادی را مورد توجه قرار داده اند. نتایج تحقیق نشان می دهد در حکمرانی اقتصادی بر اساس قاعده عدالت، لازم است فرصت های اقتصادی، آموزشی، درآمدها، امکانات، مواهب عمومی و اطلاعات به صورت عادلانه در جامعه توزیع شود به طوری که ضمن برخورداری همه افراد از حداقل ها، زمینه بهره برداری بیشتر از این فرصت ها و ثروت ها برای همگان مساوی باشد.

حدیث اقبال (۱۳۹۶) در مقاله « نقش و جایگاه مردم در الگوی مردم سالاری اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری » که با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد نهادگرایی انجام شده است، ابتدا جستار مفهومی و نظری این الگو از دیدگاه مقام معظم رهبری در قالب خاستگاه و مشروعیت الهی و اصالت حاکمیت و مشارکت مردمی مطرح شده و سپس با به تحلیل جایگاه مردم در این الگو از منظر ایشان پرداخته شده است

احمدعلی یوسفی (۱۳۹۶) در مقاله « بررسی روش شکل گیری نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و پیشنهاد روش جدید » با این فرض که روش شکل گیری نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، منشاء اصلی مشکلات موجود است و این امر، ضرورت اصلاح روش کشف و طراحی نظام اقتصادی اسلام را به اقتضاد دارد با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین این موضوع پرداخته است. و روش جایگزین را استفاده از مبانی اسلامی که مورد تاکید رهبر انقلاب اسلامی است و الگوی استخراجی از آن را که آیت الله شاه آبادی استخراج و ارائه کرده اند را مناسب می دانند

نقش مردم در حکمرانی متعالی

مردم نقشی ایجاد، ابقایی و اصلاحی دارند و تحقق حکومت، و صلاح و سامان آن و پا برجایی آن و سیر به سوی اهداف آن به مردم بسته است . مردم خود باید سرنوشت خویش را تعیین کنند و رقم بزنند و نه با تطمیع و تهدید و با ارباب و ارباب که این ویژگی حکومت جهالت و ضلالت است و حکومت در اسلام، حکومت حکمت و هدایت است.

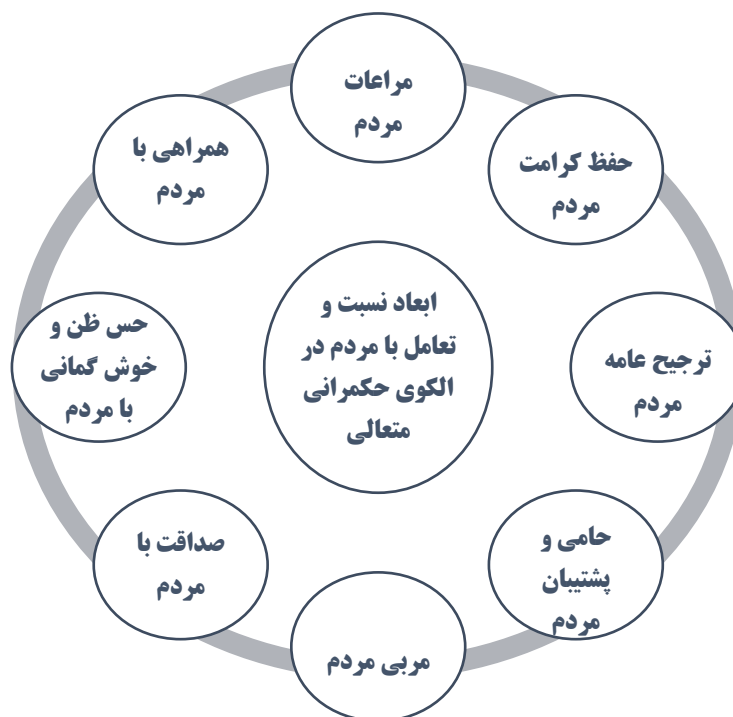
حکومت حکمت جز با راستی و درستی و پایداری مردمان و حضور و مشارکت همه جانبه آنان به سامان نمی آید و امیر مومنان علی (ع) نیز به عنوان الگو اسوه، تلاش می کردند که مردمان حکومت را این گونه بفهمند و از مناسبات سلطه گرانه و سلطه پذیرانه بیرون شوند و در همه ی عرصه ها حضوری واقعی داشته باشند،

در همین راستا برای اینکه مردم نقشی جدی و اساسی در حکومت داشته باشند، باید زمینه و بستر مناسب آن فراهم گردد ایشان تلاش می کرد که با فراهم کردن مناسباتی سالم و به دور از خودکامگی و خودکامگی پذیری مردمان را به صحنه ی حکومت بکشاند و این گونه آنان را مخاطب قرار داده است و هر گونه رابطه ی جبارانه و مستبدانه را زیر پا گذاشته است تا مردمش با صراحت و صداقت، و از سر احساس مسئولیت به مشارکت در امور حکومت برخیزند و حق را به پا دارند و عدالت را پاسداری کنند و میان خود و والیان فاصله ای نینند و زمامداران را نصیحت و خیرخواهی نمایند. (دلشاد، ۱۳۷۷)

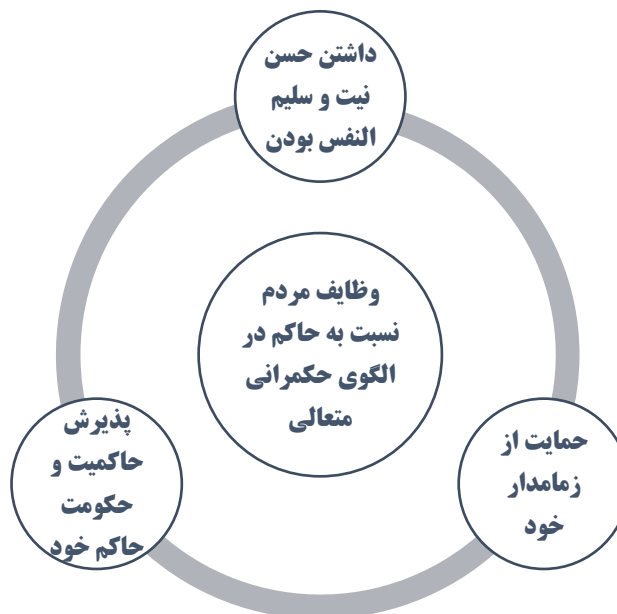
رهبر انقلاب نیز در مورد اهمیت نقش آفرینی مردم تاکید بسیار داشته اند : مسئله ی اصلی، کلید اصلی، اینجا است: حضور مردم در همه ی مسائل، حل کننده ی مشکلات است. آن چیزی که حضور مردم را تأمین بکند، مردم را تشویق به حضور در عرصه و در میدان بکند - میدانهای مختلف مورد ابتلای کشور- مغتنم است. و حضور مردم هیچ جایگزین دیگری ندارد؛ هنر اصلی انقلاب هم همین بود؛ هنر اصلی انقلاب این بود که جمهور مردم را از یک مجموعه و توده ی منفعل و مصرفی و فاقد یک نگاه ملی و عمومی، تبدیل کرد به یک مجموعه ی پُرانگیزه، علاقه مند، همت دار، هدف دار، آرمان خواه، و وارد میدان کرد؛ کار بزرگ انقلاب این بود. ۱۲/۰۵/۱۴۰۰

مردمی بودن حکومت یعنی این که اکثر مردم دولت را جزئی از ایده خود تصور کرده و در راه تعالی آن تلاش کنند. دولت مردمی نیز در عملکرد، کار ویژه ها، سیاست ها و... مصلحت مردم را سرلوحه کار خود قرار داده و تلاش می کند تا همواره مسیر تعالی مسیر تعالی مردم را فراهم کند. مردمی بودن دارای مولفه هایی همچون آگاهی به معنای شفاف بودن تصمیم گیری ها برای مردم، مشارکت یعنی دخیل بودن مردم در ارکان

تصمیم گیری، نظارت به معنی مطلع بودن مردم از شرایط و تذکر آن ها در مواقع تخلف، همگانی بودن به معنی اراده همگانی و اکثریت در تحقق دولت و انتخاب به معنی تاثیرگذاری اراده مردم در نوع دولت است. (عرب یارمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸)



تصویر ۱: ابعاد نسبت و تعامل با مردم در الگوی حکمرانی متعالی (ترابی کلاته قاضی، ۱۳۹۹)



تصویر ۲: وظایف مردم نسبت به حاکم در الگوی حکمرانی متعالی (ترابی کلاته قاضی، ۱۳۹۹)

اهمیت مردم سالاری در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه رهبر انقلاب

ما که میگوییم مردم سالاری دینی یا مردم سالاری اسلامی، بعضی خیال میکنند این مردم سالاری فقط پای صندوق رأی و انتخابات است؛ آن [تنها] یکی از جلوه های مردم سالاری دینی است. مردم سالاری یعنی بر اساس دین و بر اساس اسلام، سالار زندگی جامعه، خود مردمند. ۰۳/۰۹/۱۳۹۵

بستر مردم سالاری اسلامی و حضور مردم را انقلاب به ما داد. ما باید روی این زمینه تکیه کنیم. ۱۰/۰۵/۱۳۸۴

در نظام جمهوری اسلامی، مردم سالاری یک وظیفه ی دینی است. ۱۴/۰۳/۱۳۸۱

شهید رجائی صریح گفت من طرفدار حزب الله هستم. بنده همان وقتی که این حرف را از رجائی شنیدم - که در تلویزیون و رادیو داشت سخنرانی میکرد و من هم داشتم می شنفتم - با خودم گفتم که این مرد، عقل و دین را با هم آمیخت؛ چون یقین است که در یک جامعه ای که سالیان درازی با حکومت تبعیض زندگی کرده، در آن واحد، دل همه ی مردم را نمیشود به دست آورد؛ باید انتخاب کرد، و رجائی انتخاب کرد؛ همان چیزی که در آن فرمان (۱) معروف امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک اشتر بود که به عامه ی مردم و به توده های مردم رو بیاور و آنها را بطلب، آنها هستند که دلشان با خدا آشنا تر و مأنوس تر است، بیشتر در خدمت اهداف خدایی اند، دنبال خواص مردم و گروه ها و قشرهای ویژه نرو. عامه ی مردم هر جا هستند، آنجا اهداف الهی قابل پیاده شدن و تأمین شدن است و رهبران اسلامی این را همیشه به ما توصیه کرده اند. ۰۸/۰۶/۱۳۶۲

مشارکت مردم و حکمرانی اقتصادی

مشارکت سنگ بنای اصلی حکمرانی خوب است. مشارکت مردم می تواند بصورت مستقیم یا غیر مستقیم از طریق نهادهای مشروع واسطه میان دولت و آنها یا نمایندگان منتخبشان باشد. (UNDP, ۲۰۱۰)

حکمرانی اقتصادی به نظام ها، نهاد ها و رویه های ایجاد شده برای دستیابی به اهداف اقتصادی (شامل پیشرفت و رفاه عمومی)، از طریق اجرا و هماهنگ سازی سیاست های اقتصادی اشاره دارد. در واقع حکمرانی اقتصادی به تنظیمات سیاستی و نظارتی اشاره دارد که دولت ها برای مدیریت اقتصاد اتخاذ می کنند. حکمرانی اقتصادی دو حوزه مدیریت کلان و خرد اقتصادی را شامل می شود. حکمرانی اقتصادی موثر به دنبال ایجاد ساختار های خوب، سیاست های مالی، پولی و تجاری هماهنگ و هم افزا و ایجاد نظام پایش و نظارت برای ارتقا و هماهنگ سازی فعالیت های مختلف اقتصادی است. (رعایایی و داوودآبادی فراهانی، ۱۴۰۰) (به نقل از AusAID, 2008: P 5)

دولتی ها هم بدانند که آنچه میتواند آنها را بر انجام وظیفه ی خودشان قادر کند تکیه بر نیروی داخلی است؛ تکیه بر نیروی مردم است. ۱۷/۱۰/۱۳۹۳

قوی ترین دولتها هم قادر نیست بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازد؛ هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمیتواند اقتصاد کشور را سامان بدهد. بعضی از ساز و کارهای فکری، سیاسی، اقتصادی، مثل نوعی از سوسیالیسم ها - البته نه همه ی انواع سوسیالیسم - این فکرها را کردند که بتوانند دولتها را متصدی کار اقتصاد کنند [اما] شکست خوردند. امکان ندارد و بدون مشارکت مردم هیچ دولتی نخواهد توانست اقتصاد کشور را سامان بدهد و موتور اقتصاد را [راه بیندازد]. بنابراین یکی از مسائل مهم ما باید این باشد که استعداد های مردم، ابتکار های مردم، ظرفیتهای گوناگون مردم را وارد میدان اقتصاد کشور بکنیم. ۱۷/۰۲/۱۳۹۹

در شرایطی که اقتصاد ایران در شرایط فشار و تحریم به سر می برد اهمیت مشارکت مردم در اقتصاد بیشتر می شود. هر مجموعه ای با مخاطرات و شوک ها و فشار های بیرونی مواجه باشد، هر قدر قدرت او پراکنده باشد و بتواند از زوایای مختلف و در جبهه های متفاوتی ورود پیدا کند، قابلیت دوام آوردن و مقاومتش بالاتر خواهد رفت. در حالیکه اگر ما تمام قدرت خود را بر یک نقطه متمرکز کنیم، کافی است دشمن همین یک

نقطه را مورد هدف قرار دهد، آن وقت کل سامانه دفاعی کشور دچار اختلال خواهد شد. در اقتصاد هم دقیقاً همینطور است. اگر اقتصادی داشته باشیم که این اقتصاد با قاعده خیلی وسیعی از هرم اجتماعی ارتباط نداشته و به بیان دیگر پتانسیل‌های وسیع جامعه را به کار نگرفته باشد و صرفاً در دست افراد معدودی تداول ثروت صورت بگیرد، زمانی که اقتصاد به لحاظ فشارهای اقتصادی و مسائلی مانند تحریم و ... در معرض آسیب‌های خارجی قرار بگیرد، مدافعین وسیعی نخواهد داشت و دفاع اقتصادی باید توسط همان چند بازیگر خاص صورت بگیرد. در حالیکه اگر بدنه عاملین اقتصادی بدنه بسیار وسیع، گسترده و توانمند باشد، صرفاً در بخش مثلاً صنعت یا نفت یا یک بخش کوچکی از خدمات منحصر نشده باشد، و فقط در یک محدوده جغرافیایی خاص مثل بعضی از استان‌ها یا مراکز جمعیتی تمرکز پیدا نکرده باشد، آن وقت مقابله کردن با این اقتصاد بسیار دشوار است. (خاندوزی، ۱۳۹۴)

جمع بندی و نتیجه گیری

جمهوری اسلامی ایران که در اثر انقلاب اسلامی، جایگزین ساختارهای سکولاری، لیبرالی و به طور کلی، غیراسلامی حکمرانی شده است، ساختارهای جدیدی را متناسب با اهداف اسلامی حکومت، تأسیس نمود و برای اینکه بتواند در عرصه اجرایی و عملیاتی، برنامه ریزی، تصمیم سازی، قانونگذاری و نظایر آن، رویکرد حکومت دینی مبتنی بر اسلام را اجرا نماید، ضرورتاً می بایست در عرصه سیاستگذاری عمومی، مردم سالاری دینی (به عنوان یکی از ارکان الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت) را در ایران محقق سازد؛ به گونه ای که در میان مدت، جامعه سازی و حکمرانی متمایزی به عنوان الگو، قابل ارائه باشد. (کراری و همکاران، ۱۳۹۸)

با این حال بعد از گذشت بیش از چهل سال از انقلاب اسلامی و علی رغم تغییر در نظام سیاسی کشور، نظام اقتصادی فعلی تغییر خاصی پیدا نکرده است و با سازوکارهایی شبیه به قبل مسیر خود را ادامه می دهد. یکی از مصادیق مهم در این زمینه وابستگی به نفت و دولتی بودن اقتصاد و هم چنین غالب بودن سرمایه سالاری در حکمرانی اقتصادی است.

دولتی بودن اقتصاد به معنای این که دولت به عنوان ابر تصدی گر اقتصادی می تواند آسیب های زیادی را به بدنه اقتصاد کشور وارد آورده و خود مسائل دیگری را در اقتصاد به وجود آورد که این موضوع چالشی اصلی در افق ۴۰ ساله پیش روی انقلاب است. افزایش تصدی گری دولت بر شاخص های توزیع درآمد اثر گذاشته و باعث افزایش ضریب جینی می شود (کشاورز و علیخان زاده، ۱۳۹۸)

اقتصاد نقش بسیار مهمی در سرنوشت کشورها و مردم دارد و بر دیگر بخش های مختلف اثر قابل توجهی می گذارد. همانگونه که رهبر انقلاب فرموده اند: اعتقاد من این است که بخشهای اقتصادی ما اگر می خواهند مردم متدین شوند، معاش مردم را تأمین کنند. ۵/۰۶/۱۳۸۰

این در حالی است که امروزه به دلیل فشار های خارجی و هم چنین ناکارآمدی حکمرانی اقتصادی در این زمینه توفیقات زیادی حاصل نشده است. و لزوم تحول در نظام حکمرانی اقتصادی را اجتناب ناپذیر به نظر می رسد.

اصلاح و ارتقاء نظام حکمرانی نیازمند تحولات انقلاب گونه است؛ برای اصلاح نظام تدبیر لازم است اقدامات گسترده و هدفمندی در سطح تمام قوا و همچنین نهاد های عمومی غیردولتی انجام شود. این اصلاحات نیاز به عزمی فراگیر و قوی دارد. باید در یک برنامه با زمان بندی مشخص، اولویت بندی دقیق و تقسیم وظایف دقیق صورت گیرد. اهداف اصلی این اقدامات اصلاحی باید کوچک سازی و چابک سازی، کاهش تمرکز، ارتقاء سیستم های نظارتی و افزایش شفافیت، تقویت نهاد های تضمین کننده حقوق مالکیت، ارتقاء رویه ها و فرایند های قانون گذاری و افزایش کارایی قوانین، مبارزه با فساد و افزایش رقابت پذیری در عرصه اقتصاد باشد (عرب یارمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸)

در این فرایند تحولی از اقتصاد دولتی و خصوصی سازی ناکارآمد به اقتصاد مردم پایه نقش دولت بسیار مهم است.

دولت نقش مهمی را در چگونگی تامین منابع و روند اقتصادی کشور ایفا می کند. (رحمتی، ۱۳۹۸)

یکی از مدل های ارائه شده در این رابطه رویکرد دولت باز است، منطق و خرد دولت باز، مشارکت و همکاری دولت و مردم برای اداره امور عمومی و دستیابی به اثر بخشی و کارآمدی در ارائه کالا و خدمات عمومی است. در رویکرد دولت باز، دولت با عموم مردم نه به عنوان مشتری بلکه به عنوان شریک و صاحب دولت رفتار می کند و نقش شهروندان از یک مصرف کننده منفعل خدمات عمومی به مشارکت کننده فعال در اداره کشور و ارائه خدمات عمومی توسعه پیدا می کند. دولت باز و خط مشی گذاری باز یک رویکرد کم هزینه و اثر بخش در عرصه خط مشی گذاری است که اصل و اساس آن مشارکت مردم در فرایند خط مشی گذاری است. نکته مهم در تحقق و عملیاتی سازی دولت باز باید به آن توجه کرد این است که سازمان های دولتی و سازمان های عمومی بایستی بر اساس مأموریت ها، کارکرد ها و خدماتی که ارائه می دهند، بهینه یابی برای بهره گیری از ابزار های مشارکت عمومی را در دستورکار قرار دهند و به عبارت دیگر باید مشخص کنند که کدام خدمت و ناظر به کدام کارکرد (تدوین، نظارت، اجرا، ارزیابی و...) قابلیت این را دارد که با مشارکت عمومی انجام شود. (پیشوایی و همکاران، ۱۳۹۹)

سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست های کلی اصل ۴۴ و هم چنین تاکید صریح بر مردمی کردن اقتصاد در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی اهمیت بالایی حضور و لزوم نقش آفرینی گسترده مردم در اقتصاد را نشان می دهد. مهمی که تاکنون در میدان عمل محقق نشده است و لازمه آن تحول در نظام حکمرانی اقتصادی و تحقق حکمرانی اقتصادی مردم پایه خواهد بود.

منابع

- [۱]. دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۷). حکمت حکومت: حکومت در نهج البلاغه. ناشر خانه اندیشه جوان
- [۲]. مارک بیور، ترجمه سلیمی، غلام رضا، کریمی پور، داوود (۱۳۹۸). حکمرانی درآمدی بسیار کوتاه. ناشر دانشگاه و پژوهشگاه دفاع ملی
- [۳]. سید علی حسینی تاش قادرعلی واثق (۱۳۹۳)؛ حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین (علی(ع)؛ اسلام و پژوهش های مدیریتی سال سوم بهار و تابستان ۱۳۹۳ شماره ۲ (پیاپی ۸)
- [۴]. اقبال، حدیث. (۱۳۹۶). نقش و جایگاه مردم در الگوی مردم سالاری اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری. فصلنامه علمی، بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۴ (۴۰)، ۳۵-۹.
- [۵]. یوسفی، احمدعلی. (۱۳۹۶). بررسی روش شکل گیری نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و پیشنهاد روش جدید. فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، ۲۱ (۴)، ۱۵۹-۱۸۶.
- [۶]. جوادی ارجمند، مکرمی پور، نقدی نژاد (۱۳۹۸). حکمرانی و توسعه اقتصادی در ایران. فصلنامه علمی پژوهش های راهبردی انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۶، ۱۱۵-۱۴۳
- [۷]. عرب یارمحمدی، اشرفی، مسگری (۱۳۹۸). بهبود حکمرانی در ایران با تاکید بر اقتصاد هوشمند در دوران تحریم. اولین همایش ملی حکمرانی، بیستم آبان ۹۸، تهران
- [۸]. رحمتی، مهدی. (۱۳۹۸). الزامات حکمرانی متعالی در جمهوری اسلامی ایران از منظر دولت سازی. اولین همایش ملی حکمرانی، بیستم آبان ۹۸، تهران
- [۹]. پیشوایی، عبدالحمید و عبدالحسین زاده. (۱۳۹۹). درآمدی بر مفهوم شناسی و کارکردهای دولت باز و خط مشی گذاری باز در عرصه حکمرانی. دومین همایش ملی حکمرانی، تهران
- [۱۰]. کشاورز، محسن و علیخان زاده، علیرضا. (۱۳۹۸). مدلسازی نظام مسائل حکمرانی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به عنوان مبنای سیاست گذاری برنامه هفتم توسعه مبتنی بر تحلیل بیانیه گام دوم. اولین همایش ملی حکمرانی. تهران

- [۱۱]. کراری، مرجان، امام جمعه زاده، سید جواد و مقتدایی، عباس. (۱۳۹۸). تحقق مردم سالاری دینی از رهگذر اقتصاد مردم محور در ایران. مقاله پژوهشی فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی. ۱۳(۴۷)، ۲۳-۴۲
- [۱۲]. ترابی کلاته قاضی، علی. (۱۳۹۸). حکمرانی نرم، چیستی، چرایی، چگونگی. اولین همایش ملی حکمرانی. تهران
- [۱۳]. ترابی کلاته قاضی، علی. (۱۳۹۹). ارائه الگوی حکمرانی متعالی با ابتنای بر الگوی حکمرانی علوی. دومین همایش ملی حکمرانی. تهران
- [۱۴]. یوسفی، احمدعلی. (۱۳۹۶). بررسی روش شکل گیری نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و پیشنهاد روش جدید. فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی. 21(4), 159-186 ,
- [۱۵]. رعایائی مهدی، داودآبادی فراهانی محسن. بررسی اصل عدالت در حکمرانی اقتصادی مبتنی بر نظریه شهید صدر (با تأکید بر عدالت توزیعی). فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی. ۱۴۰۰؛ ۷(۱): ۱۰۷-۱۳۲
- [۱۶]. میدری، ا. (۱۳۸۵). مقدمه ای بر نظریه حکمرانی خوب. رفاه اجتماعی، ۶(۲۲)، ۲۶۱-۲۸۷.
- [۱۷]. امام جمعه زاده، سید جواد، شهرام نیا، امیرمسعود، صفریانی، روح الله. (۱۳۹۵). الگوی حکمرانی خوب؛ جامعه همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۲(۳۶)، ۷-۴۰.
- [۱۸]. عیوضی، م. و مرزبان، ن. و صالحی، م. (۱۳۹۶). از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار. راهبرد، ۲۶(۸۵)، ۵۵-۸۵.
- [۱۹]. خاندوزی، سید احسان (۱۳۹۴). پدافند اقتصادی، ش ۱۲، آبان ماه ۱۳۹۴، صص ۱۴-۱۷
- [۲۰]. سیف، اله مراد. (۱۳۹۸). ناکارآمدی حکمرانی اقتصادی ریشه مسایل جاری. <https://amseif.ir/?p=7753>
- [۲۱]. سیف، اله مراد. (۱۳۹۸). ضعف حکمرانی اقتصادی. <https://amseif.ir/?p=3508>
- [۲۲]. سیف، اله مراد. (۱۳۹۹). بازار معیوب و دولت ناکارآمد، نقص حکمرانی اقتصادی. <https://amseif.ir/?p=10761>
- [۲۳]. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۴۰۰). درس خارج حکمت و فقهات حکمرانی.
- [24]. AusAID. 2008. Economic governance ANNUAL THEMATIC PERFORMANCE REPORT 2006–07. Published by the Australian Agency for International Development (AusAID), Canberra, February 2008.
- [25]. Joyce Tait & Catherine Lyall . 2005. A new mode of governance for science, technology, risk and the environment, January 2005